

جوابی به نوشته "توضیح و اضمحلات" گروه نئوتوده‌ایهای نوظهور

ژیلا ناصری

سه شنبه بیست چهارم دی ۱۳۸۷

دو هفته قبل، نوشته‌ای راجع به "وبلاگ جافک" نوشتم و با استناد به نوشته‌های همین "وبلاگ"، ثابت کردم که این "وبلاگ" مطعلق به گروه نئوتودئی (آذرین-مقدم) می باشد. در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۸۷، این جماعت نئوتودئی هم به نوشته‌ی مورد نظر پاسخ داده و بسیار زیرکانه از واقعیت بیان شده گریز رفته و چنان می پندارند که گویا این "وبلاگ" وابسته به آنها نیست. قدیمی ها گفته‌اند که دروغگو کم حافظه است.

در رابطه با این جماعت، ادعای قدیمی ها واقعیت دارد. زیرا آنها در جوابیه خویش به من اینطور نوشته‌اند: "ناگفته نماند که یک مساله دیگر هم ما را شگفت زده کرد و آنهم میزان «محبوبیت» برخی گرایش ها یا افراد در سطح جنبش کارگری است؛ تا حدی که ظن به نزدیکی و ارتباط با آنها، باعث حذف از لیست لینک ها یا پرهیز از انتشار مقالات می شود!!" آدم نمی داند به دم خروس باور کند یا به قسم حضرت عباس. باری به هر حال، به اطلاع خوانندگان عزیز سایت‌های آشتی ، هلویت، افق روشن، اتحاد کارگری، آزادی بیان و ... می رسانم که من خبر طعلق این "وبلاگ" به جماعت "آذرین -مقدم" را نه تنها از کسی نشنیده‌ام بلکه از نزدیک و از کل ماجرا نیز خبر دارم و کاملاً مصمم هستم که پروژه‌ی وبلاگ سازی، در جلسه شورای مرکزی این گروه طرح گردید و کار تکنیکی کل وبلاگ های درست شده و یا در حال ساختن نیز به آقای "صدیق اسماعیلی" عضو این جریان واگذار شده است.

ضرورت ایده‌ی "وبلاگ" سازی در بین این جماعت، برای اولین بار از جانب "ایرج آذرین" طرح شد. نامبرده در جلسه‌ی شورای مرکزی اظهار داشت که جریان "اتحاد سوسیالیست کارگری"، در بین مردم محبوب نیست. به همین دلیل، پیشنهاد نامبرده این بود که برخی از نظرات این گروه را زیر پوشش های دیگر انعکاس دهند، بهتر است. در نوشته‌ی قبلی، من وبلاگ سازی را جزء حق و حقوق این جماعت تلقی کردم اما انتقاد من این بود و کماکان این است: کسی که کارگر نیست و روزی محیط کار را از داخل به چشم ندیده و به اسم کارگر وبلاگ درست می کند و امضای کارگران را زیر نوشته‌هایش می گذارد را اهانت به کارگر دانسته و می دانم. پیشنهاد عملی من این بود و این است که انسان ها از نقاب استفاده نکنند و هر آنچه که درست می دانند با اسم خویش بنویسند.

ژیلا ناصری

۲۰۰۹/۰۱/۱۲

توضیح و اوضاحت!

فکر می کردیم که بروز مسائل عجیب در جنبش کارگری و به طور کلی در جنبش سیاسی ایران چندان هم عجیب نیست. ولی باید اعتراف کنیم که این جنبش بار دیگر ما را شگفت زده کرد. حدودا دو هفته پیش در سایت آشتی با نوشته کوتاهی به قلم ژیل ناصری روبرو شدیم با این مضمون که وبلاگ «جمعی از فعالین کارگری» را یک جریان نئوتوده ای برای فریب کارگران علم کرده است و این هم در شمار سایت ها و وبلاگ های گوناگونی است که برای پنهان کردن چهره واقعی خود درست می کنند. راستش را بخواهید مساله را جدی نگرفتیم. به خود گفتیم که این یک سوء تفاهم گذرا است و اگر نویسنده بار دیگر به تک تک مقالات، بولتن ها و اطلاعیه هایی که تا به حال به امضای ما منتشر شده رجوع کند، به سادگی می تواند به اشتباه یا پیشداوری خود پی ببرد. حتی فکر کردیم که این فکر احتمالا بر اثر یک شایعه پراکنی برایش پیش آمده است و ناشی از برداشت مستقیم از مقالات ما نیست؛ چرا که کوچکترین اشاره ای به هیچیک از مواضع مکتوب «جمعی از فعالین کارگری» نشده بود.

کم کم داشتیم ماجرا را فراموش می کردیم که متوجه شدیم آخرین مقاله ما تحت عنوان «حلقه های پیوند بحران و سرکوب» در چند سایت کارگری که معمولا به انتشار مقالات جمعی از فعالین می پرداختند، گذاشته نشده است. و یکی دو سایت هم لینک وبلاگ ما را از لیست لینک های خود حذف کرده اند! خوشبختانه مسولان یکی از سایت های کارگری به ما علت عدم انتشار مقاله آخر از سوی خودشان را در میان نهاد و نوشته ژیل ناصری را هم ضمیمه کرد. این دوستان به ما یادآور شدند که عدم موضع گیری در مقابل این نوشته به معنی تایید آن است و تا زمانی که پاسخی علنی به آن ندهید، ما از انتشار مقالات جمعی از فعالین کارگری اجتناب می ورزیم.

این تذکر باعث شد که ما به خود آیم و بدانیم در این جنبش با چه واقعیات و مشکلاتی روبرویم و چه چیزهایی را باید مدام مد نظر قرار دهیم. اگر در مقالاتی که از ما تاکنون منتشر شده دقت کرده باشید متوجه می شوید که ما تلاش کرده ایم از پرداختن به این نوع مجادلات که آنها را فرعی ارزیابی می کنیم بپرهیزیم و توجه خود را روی خطوط و جهت گیری ها و برنامه های گوناگون طبقاتی و سیاسی و تشکیلاتی متمرکز کنیم. به هر حال، خود را با توجه به مسائل پیش آمده ملزم می دانیم که اطلاعات مطرح شده در نوشته ژیل ناصری را رسماً تکذیب کنیم و بار دیگر توجه همه رفقا و دوستان را به مواضع و جهت گیری های خود که آشکارا و مستقیماً در مرزبندی با اکونومیسم و رفرمیسم و رویونیسم قرار دارد، و هیچ قرابتی با گرایش مورد نظر ژیل ناصری ندارد، رجوع دهیم.

ناگفته نماند که یک مساله دیگر هم ما را شگفت زده کرد و آنهم میزان «محبوبیت» برخی گرایش ها یا افراد در سطح جنبش کارگری است؛ تا حدی که ظن به نزدیکی و ارتباط با آنها، باعث حذف از لیست لینک ها یا پرهیز از انتشار مقالات می شود!!

با این توضیح کوتاه، امیدواریم در بین همه دوستان و رفقا اگر شبهه ای به وجود آمده بود، رفع شده باشد.

به امید پیروزی

فردا از آن طبقه کارگر است

«جمعی از فعالین کارگری»

۱۲ دی ماه ۱۳۸۷

نئوتودیه‌ها و وبلاگ "جمعی از فعالین کارگری JAFKA"

مدتی است "وبلاگ ذکر شده اعلام موجودیت کرده و تابحال چندین مطالب را به بازار عرضه کرده است. روز اول، با دیدن وبلاگ نامبرده واقعاً خوشحال شدم. همان وقت و در کنار میز شام خوری، خبر آغاز به فعالیت این وبلاگ را برای شوهرم تعریف کردم. یادم می‌آید که شوهرم گفت: واقعاً جای خوشحالی است که جمع‌های کارگری و علیرغم شرایط سخت زندگی و ... به فکر تغییر دنیا می‌باشند. من هم در تکمیل کردن سخنان او گفتم: پس ارزش دارد که ما هم به جمع این مبارزین بشتابیم و همه با هم دنیای فارغ از بردگی مزدی را بسازیم. اما دیری نگذشت، متوجه شدیم که وبلاگ فوق، نه تنها از جانب یک جمع کارگری اداره نمی‌شود بلکه از طرف دو نفر غیر کارگر به نام‌های "ایرج آذرین" و "رضا مقدم" طراحی شده و آنها هستند که با امضای "کارگر" وبلاگ درست می‌کنند و مقاله می‌نویسند. با روشن شدن اصل قضیه و مخصوصاً عریان گشتن کله‌ی کبک زیر برف، واقعاً ناراحت شدیم و اینگونه وبلاگ نویسی را توهین به کارگران و کل انسان‌های آزادی‌خواه و برابری طلب می‌دانیم.

از نظر من، درست کردن وبلاگ به اسم کارگر، انتخاب نام‌های مستعار، نوشتن مطالب به اسم فعالین کارگری و ... به حال جامعه و بخصوص بحال جنبش کارگری ایران زیانبار و تحقیر آمیز است. اما روشن است که این عالیجنابان (رضا مقدم- ایرج آذرین) نظر واقعاً منحرفی را نمایندگی می‌کنند. به همین دلیل است که آنها امضای فعالین کارگری را زیر مقالات خود می‌گذارند. اگر این افراد، در درون جامعه خوشنام می‌بودند و یا نظرات پیشروی را نمایندگی می‌کردند - بدون تردید و بجای استفاده از نام‌های مستعار از نام‌های واقعی خویش استفاده می‌نمودند.

قایم شدن پشت وبلاگها و نام‌های مستعار، ناشی از رسوای، خراب کاریها و شکست‌های پی در پی این باند "سوسیالیست کارگری" می‌باشد. همه آگاهند که در طول تاریخ و بخصوص در دور اخیر، این عالیجنابان با درست کردن "وبلاگ تریبون مارکسیسم" و ... نه تنها با افتخار در کنار بازوگران جمهوری اسلامی ایستادن بلکه با آسان کاری برای آنها، جان‌دها دانشجوی آزادی‌خواه و برابری طلب را رسماً به خطر انداختند و علاوه بر این، با نفوذ در درون "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری"، نفاق کور سکتاریستی را در درون این نهاد گسترش دادند و نتیجتاً دیدیم که این تشکل کارگری منشعب گردید. قابل ذکر است که این تنها دو نمونه از هزاران خراب کاری نامبردگان می‌باشد. با این وضعیت، بسیار طبیعی است که این نئوتودیه‌ها چهره‌ی ضد کارگری خود را گریم نمایند. اما، آنها کور خوانده‌اند زیرا با وبلاگ‌سازی و گذاشتن امضای کارگر زیر مقالاتشان، هرگز نمی‌توانند خط منحنی فکری خود را پنهان نمایند.

ژیلا ناصری

۲۰۰۸/۱۲/۱۷

سایت آشتی